

تأملی در معماری سنتی

ناهید صادقی‌پی

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

کلیدواژگان: معماری سنتی، معماری تاریخی، معماری قدیمی، معماری بومی، معماری باهویت، معماری اصیل، معماری خودی، معماری بامعنی.

مقدمه

نبود تعریفی واحد و واضح برای معماری سنتی باعث شده است که هر کس به تعبیر خود آن را معنا کند. این دو واژه، یک تعریف مفهومی یا تلویحی دارند. اما این تعریف چیست؟ با شنیدن این مطلب، مخاطب باید به کدامین دسته‌بندی رجوع کند که در آن جا به جست‌وجوی این نوع معماری^۱ خاص بپردازد؟

در دسته‌بندی‌های رایجی که در زمینه معماری وجود دارد، معمولاً به یکی از ملاک‌های زیر توجه می‌شود که برگرفته از خود ساختمان است:

۱. کارکرد بنا: نظیر معماری خانه‌ها، مساجد، مدارس، حمام‌ها، اداره‌ها، ساختمان‌های تجاری و ...
۲. مصالح به کاررفته در بنا: نظیر معماری آجری، خشتی، چوبی، سنگی، بتونی، و ...
۳. سازه بنا: ساختمان‌هایی با دیوار باربر، ستون‌دار، خریایی و ...

چکیده

معماری سنتی اصطلاحی است که در صحبت‌های بسیاری از معماران، مقاله‌ها و کتاب‌ها، بحث‌های مطرح‌شده در دانشکده‌های معماری، موضوعات مطرح‌شده در گفت‌وگوها و همایش‌های مربوط به معماری و امثال آن‌ها به کار می‌رود و همه شنوندگان مفهوم آن را می‌فهمند و در پاسخ گوینده سؤال نمی‌کنند معماری سنتی چیست؟ اما در پرس‌وجو از افراد متفاوت، متوجه می‌شویم هر کسی از ظن خود این اصطلاح را معنی می‌کند و برای آن مفهوم خاصی در نظر دارد. به این سبب، در این مقاله سعی داریم در این امر تأمل کنیم و به معنی روشن‌تری برای معماری سنتی دست یابیم.

۱. در این مقاله، معماری به معنی عام خود یعنی ساختمان و بنا به کاررفته است.

پرسش‌های تحقیق

۱. آیا معماری سنتی مفهومی واحد دارد؟
۲. معانی غالب متصور از معماری سنتی کدام است؟
۳. تعریف معماری سنتی چیست؟

۴. فرم بنا: ساختمان‌های گنبدی، سقف شیب‌دار، حیاط مرکزی و... .
 به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از این نوع دسته‌بندی‌ها محدودکننده قلمروی معماری سنتی نیست؛ زیرا امکان دارد در همه آن‌ها معماری سنتی هم وجود داشته باشد و تمام و یا تعدادی از زیرمجموعه‌های آن را دربرگیرد. برای مثال، ممکن است در دسته‌بندی‌های حاصل از نوع کارکرد بنا، برخی از گونه‌های آن، از جمله خانه، مسجد، مدرسه، حمام و...، دارای معماری سنتی باشد. بنابراین، برای تعیین معماری سنتی، به معیاری فراتر از این ملاک‌های رایج نیاز است که معمولاً ابعاد مادی و فیزیکی بنا را دربرمی‌گیرد. گویی باید به کیفیت و حال و هوایی توجه کرد و آن را ملاک قرار داد.
 در جست‌وجوی این ملاک، تعاریفی از معماری سنتی تا حدودی کارگشاست.

اصطلاحات مترادف معماری سنتی

مهم‌ترین اصطلاحاتی که در تعریف این معماری گفته می‌شود، عبارت است از: معماری تاریخی، معماری قدیمی، معماری اصیل، معماری باهویت، معماری خودی، معماری بامعنی، معماری بومی و معماری محلی.
 معماری تاریخی: معماری‌ای است که جنبه تاریخی دارد و منسوب به تاریخ است. در تعریف تاریخ آمده است:

«سرگذشت یا سلسله اعمال و وقایع و حوادث قابل ذکر که به ترتیب از منته تنظیم شده باشد. تعیین کردن مدتی از ابتدای امری عظیم و قدیم و مشهور تا ظهور امر ثانی که عقب اوست؛ رقمی که زمان را نماید، زمان وقوع واقعه‌ای».^۲
 پس در حقیقت، معماری تاریخی به معماری ساخته‌شده در یک دوره زمانی خاص ربط پیدا می‌کند و گوینده با بیان این اصطلاح، نوعی بار زمانی در نظر دارد.

معماری قدیمی: در این نوع معماری، به بعد زمان توجه می‌شود. قدیم در لغت به معنی «دیرینه، پیشین و سابق است و قدیمی یعنی دیرینه، کهن، سال‌دیده و پیر».^۳ پس معماری قدیمی در حقیقت نوعی معماری است که مو سبید کرده و گرد تاریخ بر چهره دارد و باتجربه و پیر است. بنابراین، این معماری متعلق به زمان حال نیست و در گذشته ریشه دارد؛ باید به آن احترام گذاشت. نکته

۲. فرهنگ فارسی معین، ص ۳۰۵.

۳. همان، ص ۶۹۳.

بتوان معماری اصیل را نوعی معماری دانست که ممتاز است، همچون گوهر ارزشمند است و جنبه قومی و نژادی دارد؛ منتهی نه هر قوم و نژادی؛ بلکه قوم و نژادی والا و شریف و متخلق به ارزش‌های اخلاقی.

در اظهارات در زمینه معماری سنتی، واژه «خودی» و اصطلاح «معماری خودی» هم وجود دارد. «خودی» در لغت به معنی «آشنا»ست. پس معماری خودی نوعی از معماری است که آشنا باشد. آشنا، قابل شناسایی است و همه آن را درک می‌کنند و می‌فهمند. آشنا بودن زمانی رخ میدهد که سابقه‌ای از شناخت وجود داشته باشد. پس غریبه و بیگانه هیچ‌گاه آشنای ما نخواهد بود. به این ترتیب، معماری خودی نوعی معماری مستقل است و از خارج وارد نشده است. در فرهنگ خودی ریشه دارد و از ویژگی‌های فرهنگی و اعتقادی و رفتاری و آداب و رسوم مردم و... سرچشمه می‌گیرد و با آن‌ها انطباق کامل دارد. معماری بامعنی: در فرهنگ لغت برای کلمه «معنی»، «قصده شده، مقصود، مراد، مفهوم کلام، مفهوم سخن، حقیقت، باطن، موضوع و مطلب» آمده است.^۴ پس معماری معنی‌دار قصدی دارد. با این نوع معماری نه تنها ساختمانی مادی و فیزیکی برپا میشود، بلکه معنی و مفهومی قصده شده در آن جاری میگردد؛ نه تنها ظاهر، بلکه باطنی پدیدار می‌شود؛ حقیقتی در آن به‌وجود می‌آید.

در یک جمع‌بندی کوتاه، شاید بتوان گفت که معماری سنتی به چهار عامل زیر بستگی دارد:

۱. زمان

۲. مکان

۳. فرهنگ

۴. معنایی خاص.

این چهار عامل ثابت نیست. برای مثال، آن بنایی که امروز سنتی نیست، چه بسا در چند قرن آینده، حکم سنتی بیابد. شاید آن الگویی که در نواحی بوشهر معماری سنتی شناخته می‌شود،

دیگری که در مورد این واژه مطرح است، وجود نوعی تقدس برای آن است. قدیم نامی از نام‌های خدای تعالی است.

معماری بومی: این نوع معماری، به سرزمین و ناحیه‌ای خاص تعلق دارد. لغت «بوم» بار مکانی دارد و،

محدوده مشخص شده‌ای از مکان را، که دارای مرزی معین است، شامل می‌شود.^۴

دیگر واژه نزدیک به آن، «محل» و «محلی»، هم همین بار مکانی را دارد. این واژه نیز محدوده‌ای خاص از مکان را دربرمی‌گیرد که دارای شرایط محیطی و اقلیمی به‌خصوصی است. بنابراین، این دو مترادف معماری سنتی، یعنی معماری بومی و معماری محلی، در حقیقت بر وجه تعلق معماری سنتی به محدوده‌های تعریف شده از یک مکان و سازگاری آن با شرایط محیطی و آب و هوایی تأکید دارد.

معماری باهویت: این اصطلاح مترادف دیگری برای معماری سنتی است. هویت در لغت با مفاهیمی چون، «ذات باری تعالی، هستی، وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد، تعریف شده است»^۵. اگر هویت به معنی چیزی است که موجب شناسایی می‌شود، پس در حقیقت نوعی کارت شناسایی، نوعی شناسنامه، و مدرکی است که معمولاً در آن نام و نام خانوادگی و سال تولد و نام پدر و مادر و... ذکر می‌شود. با این مقدمه، شاید بتوان معماری باهویت را به «معماری قابل شناسایی» تعبیر کرد. نوعی معماری که می‌توان آن را شناخت؛ زیرا سابقه‌ای از آن موجود است، خاندان و جدوآبادی روشن دارد و بااصل و نسب است.

«اصیل» در لغت به معنی «نژاد، گهر، والاتبار و نجیب» و «اصالت»، «بانژاد بودن، گهر داشتن، نجابت داشتن، شرافت داشتن، والاتباری و پدرداری» تعریف شده است.^۶ «نجیب» را هم «گوهر، نژاده، اصیل، پارسا، عقیف، هر چیز ممتاز و آن که از خانواده بزرگ باشد»، معنی کرده‌اند.^۷ با این مقدمات، شاید

۴. همان، ص ۲۲۰.

۵. همان، ص ۱۰۱۴.

۶. همان، ص ۱۱۸-۱۱۹.

۷. همان، ص ۹۴۶.

۸. همان، ص ۸۸.

وارد شده و معانی اصلی آن «تحویل دادن، دست‌به‌دست دادن دانش، انتقال عقیده و نظر و...» است.^۹

شیلز، که کتابی در مورد سنت نوشته است، می‌گوید:

سنت همان چیزی است که دست‌به‌دست شده و شامل تمام چیزهایی است که جامعه‌ای در یک دوره زمانی خاص داراست. چیزهایی که قبل از آن زمان در جامعه وجود داشته و مالکان فعلی، اکنون به آن‌ها دست یافته‌اند.

به نظر شیلز، سنت تنها محصول یک روند فیزیکی در دنیای خارجی نیست. سنت تنها نتیجه و محصول یک سلسله الزامات اکولوژیک و فیزیولوژیک هم نیست؛ بلکه چیزی فراتر از این‌هاست.^{۱۰}

راپوپورت، که در زمینه‌های فرهنگی محیط مصنوع تحقیقات ارزشمندی انجام داده، عقیده دارد سنت مفهومی بسیار عام است. هر چیزی که در طول زمان منتقل شود و به زمان بعد از خود برسد، سنت است. به این سبب، این مفهوم به قلمروهای گوناگونی چون روش زندگی، رفتارها، وقایع، ارزش‌ها، تصورات، قوانین، فلسفه، هنر، معماری، یادمان‌ها، صنایع دستی، حکومت‌ها، سیاست‌ها، مؤسسات و نهادها و... اطلاق می‌گردد و همه آن‌ها را دربردارد.^{۱۱}

برخی دیگر از محققان نیز با عقیده راپوپورت در زمینه ارتباط سنت با فرهنگ جامعه موافق‌اند. کروبر که از زمره این افراد است، رابطه بین سنت و فرهنگ را چنین بیان کرده است: فرهنگ در طول تاریخ و عرض جغرافیای زمین منتقل می‌گردد. گسترش فرهنگ را در بعد مکان «انتشار» و نفوذ و گسترش آن را در طول زمان «سنت» می‌گویند.^{۱۲}

یکی دیگر از کسانی که بین سنت و فرهنگ و میراث‌های فرهنگی جامعه رابطه‌ای برقرار کرده، دوبرولسکی است. او می‌گوید:

در منطقه تبریز آشنا نباشد. شاید آلاچیقی که در فرهنگ مردم ترکمن سنتی است، برای مردم بلوچ مفهوم دیگری داشته‌باشد. ممکن است معنای نظام خانواده و نوع سامان‌دهی سنتی خانه‌های عرب‌های خوزستانی، در نزد مردم کرد و لر شکل متفاوتی داشته و به گونه‌ای دیگر باشد. بنابراین، این چهار عامل، دایره محدود و ثابتی را، که لازمه پی‌گیری تعریفی واحد و یکسان است، ندارد و برای روشن شدن این دایره در هر وضعیت خاصی، باید این چهار عامل را دقیقاً مشخص کرد.

حال که به کمک مترادف‌های معماری سنتی مشخص شد که برای رسیدن به تعریفی از این معماری، باید ابتدا دایره محدودی از وجوه زمانی و مکانی و فرهنگی و معنایی را روشن کرد، بد نیست به واژه «سنت» نیز نظری بیفکنیم تا شاید از این راه بتوانیم به معنی «معماری سنتی» نزدیک شویم و از چگونگی و کیفیت این معماری اطلاعات بیشتری به‌دست آوریم.

سنت چیست؟

در لغت‌نامه دهخدا، برای واژه «سنت» تعاریف زیر آمده است:

راه و روش، طریقه و قانون و روش، آیین و رسم و نهاد، احکام و امر و نهی خدای تعالی، فرض و فریضه، واجب و لازم، احکام دین، راه دین و شریعت. در فرهنگ معین در تعریف این کلمه آمده است: «راه، روش، سیرت، طریقه، عادت، گفتار و کردار و تقریر معصوم (پیغمبر و امامان).

مترادف انگلیسی کلمه «سنت»، واژه «تردیشن»^{۱۳} است. در معنی این کلمه در لغت‌نامه آکسفورد چنین آمده است: «نظر، عقیده و رسمی که از پیشینیان به آیندگان دست‌به‌دست شده است.»^{۱۴}

به باور ویلیامز، ریشه این کلمه در لاتین *traditionem* مشتق از *tradere* به معنی «دست‌به‌دست شدن و تحویل دادن» است. او عقیده دارد که این واژه از زبان فرانسوی به انگلیسی

7. tradition

8. *The Concise Oxford Dictionary*, 1353.

9. Williams, Raymond. *Keywords: A Vocabulary of Culture and Society*, P. 269

10. Shils, E. *Tradition*, P. 12.

11. Rapoport, A. On the Attributes of Tradition", in Bourdier, J.P. and Alsayed, N. (Eds.), *Dwellings, Settlements and Tradition*, P. 84

12. Kroeber, A.L. *Anthropology: Culture Patterns and Processes*, P. 219

13. Dobrowski, K. "Peasant Traditional Culture" in Shanin, T. (Ed.), *Peasants and Peasant Societies*, P. 277

می‌شوند.^{۱۶} به این اعتبار می‌توان گفت هر ساختمانی که طول عمری برابر با دو نسل دارد، سنتی است. واضح است که این تعریف دقت چندانی ندارد و سنتی بودن را تنها با طول عمر ساختمان نمی‌توان محک زد!

توئان بر این باور است که تنها بخش کوچکی از بناهایی که امروز در اختیار داریم و می‌بینیم، به آینده خواهد رسید و حفظ خواهد شد و هرچه این آینده دورتر شود، بخش کوچک‌تری از بناها ماندگار خواهند شد. به این ترتیب، همه بناهایی که دست‌به‌دست شده و اکنون به ما به یادگار رسیده است، سنتی نیستند. بلکه تنها معدودی از آن‌ها چنین ارزشی دارند. به عبارت دیگر، تنها آن تعدادی که دارای معانی و ارزش‌های شایسته‌ای هستند، این ویژگی را قایل‌اند.^{۱۷} حال سؤال دیگری شکل می‌گیرد: معانی و ارزش‌های شایسته‌ای که یک بنا باید داشته‌باشد، چیست؟

ویژگی معنایی معماری سنتی

برای دست‌یابی به معانی و ارزش‌های معماری سنتی، سخن سیدحسین نصر در مقاله «سنت چیست؟» تا حدودی کارگشاست. کلمه عربی «الدین» مناسب‌ترین معادل برای کلمه tradition یا سنت است. زیرا سرچشمه سنت امر قدسی است و آنچه سنتی است، از امر قدسی جدا ناپذیر است. سنت به معنای حقایق و اصولی است که دارای منشاء الهی بوده و بر بشر و در واقع بر کل قلمرو کیهانی وحی و الهام شده است. سنت به‌طور تفکیک‌ناپذیری با وحی و دین، با امر قدسی، با عقیده راست‌کیشی، با اقتدار، با زندگی روحانی و با علم و هنر مرتبط است. سنت آن حقیقت واحدی است که قلب و سرچشمه تمام حقایق است. تمام سنت‌ها تجلیات زمینی الگوهای آسمانی هستند که نهایتاً به آن الگوی پایدار سنت ازلی متصل‌اند.^{۱۸}

نصر می‌گوید که سنت، با این تعبیر، در تمدن غرب هنگام آخرین مرحله تقدس‌زدایی معرفت و عالم پیرامون انسان مدرن

سنت دربرگیرنده تمام میراث‌های فرهنگی است که از یک نسل به نسل دیگر دست‌به‌دست داده می‌شود.^{۱۳}

دافنر هم عقیده دارد،

سنت عبارت است از انتقال شفاهی و غیر شفاهی اطلاعات در بین مردمی که دارای فرهنگی مشترک هستند.^{۱۴}

این گروه از صاحب‌نظران در زمینه بیان تعریفی جامع و کامل از سنت اتفاق نظر ندارند، ولی متفق‌القول‌اند که سنت مقوله‌ای فرهنگی است که با دست‌به‌دست دادن و انتقال و استمرار همراه است.

ویژگی‌های معماری سنتی بر مبنای تعریف سنت

با توجه به ویژگی‌های سنت، می‌توان نتیجه گرفت که: معماری سنتی عبارت است از آن گونه معماری که اولاً بار فرهنگی خاصی داشته باشد و ثانیاً در طول زمان دست‌به‌دست شده و از نسلی به نسلی دیگر رسیده باشد. این تعبیر از معماری سنتی را اولیور نیز در مقاله‌ای با همین عنوان آورده است.^{۱۵}

این تعریف اشکال‌هایی هم دارد؛ زیرا بر طبق آن، همه بناهایی که از گذشته تا به امروز باقی مانده‌اند، در جرگه بناهای سنتی قرار می‌گیرند. این معیار، دقت کافی ندارد و زمینه‌ساز سؤالات بسیاری است. مثلاً می‌توان پرسید: از چه زمانی، گذشته محسوب می‌شود؟ دیروز، سال گذشته، پیش از انقلاب اسلامی، دوره قاجار، پیش از اسلام و...؟ بعد از گذشت چه مدتی، یک شیء صفت‌تعلق به گذشته به خود می‌گیرد و سنتی به حساب می‌آید؟

در پاسخ به این سؤال‌ها، برخی به فاصله زمانی بین دو نسل اشاره می‌کنند و می‌گویند هر چیزی که از نسلی به نسل دیگر منتقل شود، حکم سنتی به‌خود می‌گیرد. بر این اساس، معماری سنتی عبارت است از بناهایی که از نسلی به نسلی دیگر منتقل

14. Daffner, J.D. "The Many Faces of Tradition: Naxi courtyard Compounds", *Traditional Dwellings and Settlements Working Paper Series*, Vol. 39, P. 3

15. Oliver, Paul. "Handed Down Architecture: Tradition in Transmission", in Bourdier J.P. and Alsayyad, N., *Dwellings, Settlements and Tradition: Cross-Cultural Perspectives*, P. 80

16. Boudier, 1989: 5

17. Tuan, Yi-Fu. "Traditional: What Does it Mean?", in Bourdier, J.P., and Alsayyad, N.(Eds.), *Dwelling, Settlements and Tradition: Cross-Cultural Perspectives*, P. 28

۱۸. نصر، سیدحسین، معرفت و امر قدسی، ص ۶۸-۵۴

به ظاهر، بلکه به باطن نیز توجه بسیار دارد. ظاهر، عبارت است از صورت حسی یا جنبه‌های ظاهری و کمی اشیا که به آسانی قابل درک است؛ مانند شکل یک ساختمان، بدن انسان و رنگ کاشی‌ها. باطن عبارت است از جنبه کیفی و فعلی معنویت که همه اشیا واجد آن‌اند.^{۲۱}

این نگرش، در همه انسان‌های یک جامعه سنتی وجود داشته و از طریق آنان بر تمام شئون جامعه جاری می‌شده است. شخص معماری که سازنده بناهای سنتی است، نیز از چنین نگرشی برخوردار بوده و این‌گونه توجه را به معماری ابراز می‌کرده است. برای روشن‌تر شدن این امر، در ادامه، توضیحاتی در مورد ویژگی‌های معماری و نحوه آموزش و طراحی او ارائه می‌شود.

معمار سنتی

پدیدآوردن بنایی سنتی که، علاوه بر ظاهری شایسته، به باطن و معنایی ارزشمند هم توجه داشته‌باشد، کار هر کسی نیست و به معمار خاص و ویژه، به معماری سنتی، نیاز دارد. در مورد خصوصیات این فرد و نحوه آموزش او، قیومی بیدهندی توضیحات بسیار خوبی ارائه داده است:

معمار سنتی پیشه خود را مقدس می‌دانست، زیرا جایگاه خویش را در سلسله‌ای قدسی می‌دید که از طریق آن به «معمار جهان» متصل می‌شد. معماران خداوند را معماری می‌دانستند که گنبد کبود و عظیم جهان را برافراشته و همه جهان را چنان زیبا و کارآمد آفریده است که هیچ سستی در آن دیده نمی‌شود. پس در معماری نیز باید بدو تشبیه جست، بنای خلق خدا را با خلقی خدایی ساخت و در نظم و کارایی و زیبایی و خلل‌ناپذیری، از عمارت الهی تقلید کرد. بنا را باید چنان ساخت که با دستگاه معماری کائنات هماهنگ باشد و در برابر نظام طبیعت قد علم نکند، بلکه جزئی از آن به‌شمار آید.^{۲۲}

در جامعه سنتی، آثار معماری، آثاری مصنوع و منفک از خلقت نبود؛ بلکه جزئی از آن شمرده می‌شد. از این‌رو، معمار

رواج یافت. کشف دوباره سنت، گونه‌ای ترمیم جهانی به وجود آورد، زیرا آن حقیقتی که قالب حیات انسان متعادل را در طول اعصار به‌وجود می‌آورد، تقریباً از دست رفته و به افول گرویده بود. او اضافه می‌کند که در زبان‌های گوناگون پیش از دوران مدرن، اصطلاحی که دقیقاً با tradition در این مفهوم هماهنگ باشد، به کار برده نمی‌شد؛ زیرا انسان پیش از مدرن به قدری در جهان مخلوق سنت غرق بود که نیازی به تعریف این اصطلاح نداشت. او مانند بچه‌ماهیانی بود که از مادرشان درباره آب سؤال کردند و مادر در پاسخ به آن‌ها گفت که بروند و چیزی بیاورند که آب نباشد. به همین طریق، انسان‌های پیش از مدرن هم در عوالمی زندگی میکردند که اشباع از سنت بود و مفهوم مستقلی به نام سنت معنی نداشت.^{۱۹}

امر قدسی شبیه خونی است که در سیاه‌رگ‌ها و سرخرگ‌های سنت جاری باشد و عطری است که در سراسر هر تمدن سنتی پراکنده است. به این ترتیب، سنت، حضور امر قدسی را در سراسر جامعه بسط می‌دهد و تمدنی ایجاد می‌کند که معنای امر قدسی در در همه عرصه‌های آن و از جمله در معماری حاضر است. در این زمینه اردلان می‌گوید:

جامعه سنتی در درون یک نظام معنوی زندگی می‌کند که هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی، جویای هماهنگی و تناسب کامل است. آفریده‌های آن، چون معماری، از جهان‌بینی‌های تام و کاملی مایه می‌گیرد که نیروهای خلاقه انسان را پدید می‌آورد، آن را به سوی غایتی رهنمون می‌شود و در عین حال، جامعه را به صورت کل واحد وحدت می‌بخشد.^{۲۰}

در این جامعه، انسان سنتی به سوی گونه‌ای توجیه و تبیین امور برانگیخته می‌شود که تفسیری معنوی و عرفانی درباره حیات به‌دست دهد و مقدم بر مشاهده و ادراک خارجی و در عین حال مافوق آن باشد. به این ترتیب، انسان سنتی نه تنها

۱۹. همان، ص ۳۶.

۲۰. نک. اردلان، «ساختمان، مفاهیم سنتی معماری و شهرسازی ایران»، بررسی امکان پیوند معماری سنتی با شیوه‌های نوین ساختمان.

۲۱. همان، ص ۳۲-۳۱.

۲۲. قیومی بیدهندی، مهرداد. «آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماری»، ص ۴۲، ص ۷۳.

فرهنگ خودآگاه^{۲۵} و فرهنگ ناخودآگاه^{۲۶} فکر می‌کند. به نظر او، فرهنگی ناخودآگاه است که آموزش و یادگیری در آن به صورت غیر رسمی و از راه تقلید و تکرار انجام می‌شود. ولی در فرهنگ خودآگاه، این مسئله از راه آموزش رسمی و بر طبق قوانین خاص و روشنی صورت می‌پذیرد.^{۲۷} به باور او، معماری سنتی محصولی از سیستم آموزش ساخت‌وساز غیر رسمی فرهنگ ناخودآگاه است.

نظریهٔ الکساندر موافقان و مخالفانی دارد. آپتون از جمله کسانی است که به کارگیری صفت ناخودآگاه را چندان مناسب نمی‌داند و می‌گوید:

معماری سنتی تبلور ایده‌هایی است که از استعداد و خلاقیت آدم‌هایی آگاه سرچشمه گرفته است. آدم‌های آگاهی که به‌خوبی می‌دانند چه می‌خواهند و برای رسیدن به خواسته‌هایشان روش‌هایی دارند.^{۲۸}

هوبکا هم در این زمینه یادآوری کرده است:

این نکته که روش ساخت سنتی، روشی ناخودآگاه است، تنها به این مضمون است که طراحی این بناها در تصاویر رسم‌شده و نوشته‌های مکتوب ارائه نمی‌شود و اعضای گروه طراحی، آن را تجزیه و تحلیل و بررسی نمی‌کنند. ولی در عوض باید گفت که روش ساخت این بناها یک روش قانونمند طراحی است و با استفاده از یک زبان فکری سنتی، که دارای ساختاری بسیار عمیق و پیچیده است، به کار گرفته می‌شود. این زبان قواعد و اصول (گرامر) معماری خاص خود را دارد.

هوبکا این شیوهٔ به کارگیری قوانین را «روش سنتی طراحی»^{۲۹} می‌نامد و آن را از روش‌های آکادمیک و مدرس‌های و رسمی آموزش طراحی معماری کاملاً متفاوت می‌بیند.^{۳۰}

روش طراحی سنتی

اصول اساسی و پایه‌ای روش طراحی سنتی در سنت‌ها ریشه دارد. کسی که می‌خواهد روش طراحی سنتی را دریابد، باید

نهایت هنر خود را در این نمی‌دانست که اثری متباین با طبیعت بسازد؛ بلکه در این می‌دانست که اثر او، هم در عمل آسیبی به طبیعت نرساند و هم در سیمای خود با طبیعت متباین نباشد. در عالم پیش از مدرن،

معمار خود را مستحیل در جامعه و معیارهای آن می‌دید و وظیفهٔ خود را در نهایت، بهبود بخشیدن آن ضوابط می‌دانست. نوآوری در آن زمان نیز ممدوح بود؛ اما مفهومی دیگر داشت. نوآوری به معنای در انداختن طرح‌های تازه در چهارچوب زیباشناسی مقبول و با حفظ اصولی بود که سنت ایجاب می‌کرد. تجاوز از این حدود را نه نوآوری ممدوح، بلکه بدعت مذموم می‌شمردند و خود را موظف به بهره‌گیری از تجارب هزاران سالهٔ معماران پیش از خود در فراهم آوردن سکونت‌گاه مطلوب انسان می‌دانستند.^{۳۱}

معماران سنتی از دل نظام صنفی معماری، که از دل جامعه جوشیده و به صورتی طبیعی شکل گرفته و رشد یافته بود، برمی‌خاستند. آنان از روز نخست، در کسوت کارگری و غلامی و شاگردی با نظام صنفی خود آشنا می‌شدند و به فراخور استعداد و پشت‌کار خود، مدارج آن را طی می‌کردند. به این ترتیب، آموزش معماران در دوران پیش از مدرن و در جامعهٔ سنتی در دل نظام صنفی صورت می‌گرفت. در آن جامعه، آموزش معماری امری نظری و خارج از عالم حرفه و جدا از مردم نبود. معمار بر اساس طرح‌های فرضی دانشگاهی تعلم نمی‌کرد؛ بلکه از همان ابتدا در دل زندگی واقعی و در جریان عملی حیات جامعه آموزش می‌دید؛ لذا بنایی که می‌ساخت، هم با نیازهای جسمانی و روحانی و روانی مردم مناسبت بیشتری داشت و هم با نظام زیبایی‌شناسی آنان سازگارتر بود.^{۳۲}

شیوهٔ آموزش معماری سنتی

تفاوت دو شیوهٔ آموزش معماری سنتی و غیر سنتی، از دیدگاه الکساندر آن قدر بارز و برجسته است که می‌توان آن را ملاکی برای تشخیص این معماری در نظر گرفت. او به هر دو گونهٔ

۲۳. همان، ص ۷۴-۷۵.

۲۴. همان، ص ۷۶-۷۷.

35. selfconscious

36. unselfconscious

37. Alexander, Christopher . *Notes on the Synthesis of Form*, P. 36.

38. Upton, Dell and Vlach. *Common Places: Reading in American Vernacular Architecture*, P. 426.

39. folk design

۳۰. همان

بداند که در این روش، صورت‌های معماری از یک نظام فکری، که تحت سیطره و تسلط سنت‌هاست، نشئت می‌گیرد. در این روش، طراحی تنها در ذهن افراد طراح بنا شکل می‌گیرد. بقای این روش در فرهنگ، از طریق سنت‌ها و انتقال دست‌به‌دست آن‌ها صورت می‌گیرد. انتقال اطلاعات ذهن طراح به دیگران از طریق بیان شفاهی خود او، مشاهده اعمال او و تکرار کارهای او به‌وسیله شاگردانش انجام می‌پذیرد. این روش طراحی کاملاً از روش‌های مدرن و آکادمیک طراحی متمایز است. زیرا روش سنتی طراحی یک روش غیر مکتوب طراحی است و طرح تنها در ذهن سازندگان آن مجسم می‌شود.^{۳۱} هوبکا در ادامه توضیحاتش در باره روش طراحی سنتی، اضافه می‌کند:

اگر کسی می‌خواهد روش طراحی سنتی را بفهمد، باید خویش را آماده کند تا راه انتقال سنت‌ها به طرح‌های پیچیده معماری را در ذهن طراح پی‌گیری کند.^{۳۲}

در باره روش سنتی طراحی، برداشت‌های غلطی هم وجود دارد. از جمله این گمان‌های نادرست می‌توان به نادیده انگاشتن معماران سنتی و دست کم گرفتن قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان اشاره کرد زیرا تصور می‌شود معماران سنتی افراد معمولی جامعه بوده‌اند. در بسیاری جوامع، سازنده و استفاده‌کننده بنا یکی بود و مالک بنا خود در طراحی و ساخت آن دخالت داشت، اما این مسئله به‌هیچ‌وجه نقش معماران سنتی را، که سازنده بناهای بسیار باارزشی بودند و سبب شکلگیری میراث‌های غنی معماری شدند، کم‌اهمیت نمی‌سازد.

معماران سنتی، روش‌های پیچیده و قانونمندی برای طراحی و پدیدآوری فرم‌های فضایی داشتند که گرچه با روش‌های مدرن طراحی متفاوت است، هدف نهایی یکسانی را دنبال می‌کند که عبارت است از «تبدیل ایده‌هایی به صور فضایی». بنابراین، معماران سنتی هم مانند همکاران مدرن خود، افرادی متخصص و آموزش دیده‌اند که توانایی‌های خلاقانه‌ای در طرح و ساخت و

اجرای بنا دارند و فقط روش کارشان با طراحان امروزی متفاوت است. طراحان سنتی تنها در حوزه سنت‌ها به کار می‌پردازند و از آن فراتر نمی‌روند. به این سبب، در مقایسه با طراحان مدرن و امروزی، حوزه محدودتری در اختیار دارند. ولی این محدودیت به معنای آن نیست که خلاقیت آن‌ها از همکاران مدرنشان کمتر است. در ضمن، معماران سنتی روند کار طراحی خویش را در ذهن خود و در زمینه‌ای محدود و تعریف‌شده، از طریق فرهنگ جامعه خویش دنبال می‌کنند و از میان امکاناتی که ساخته و پرداخته سنت‌هاست، به گزینش و عمل می‌پردازند.^{۳۳}

جمع‌بندی

در نتیجه‌گیری از آنچه گذشت، باید اذعان داشت که بیان تعریفی جامع و کامل برای معماری سنتی به‌راحتی امکان‌پذیر نیست. با بررسی مترادف‌های رایجی که مردم برای این اصطلاح ابراز می‌دارند، مشخص شد که معماری سنتی از چهار بار زمان (معماری تاریخی، معماری قدیمی، و...)، مکان (معماری محلی، معماری بومی و...)، فرهنگ (معماری خودی، معماری اصیل، معماری باهویت) و معنا (معماری بامعنی، معماری بارزش، و...) برخوردار است. از آن‌جا که این چهار عامل متغیرند، بیان تعریفی که در همه وضعیتهای مصداق یابد، امکان‌پذیر نیست. اما می‌توان به برخی از صفات کلیدی این معماری اشاره کرد. این صفات کلیدی از جمع‌بندی اطلاعات حاصل از سه تأمل زیر فراهم آمده است:

۱. بررسی لغوی واژه سنت.

۲. پیدا کردن سرچشمه سنت.

۳. یافتن تاریخچه پیدایش و استفاده از این واژه در جامعه.

با بررسی لغوی واژه سنت روشن شد که سنت مقوله‌ای فرهنگی است که با دست‌به‌دست دادن و انتقال و استمرار همراه است. بر اساس این ویژگی، صفت «سنتی» به چیزی اطلاق می‌شود که باری فرهنگی داشته باشد، بیانگر و تبلور فرهنگ

۳۱. همان

۳۲. همان

۳۳. همان، نقل به مضمون

که روش غالب امروزی طرح و اجرای بناهاست)، از نظر برخی صاحب‌نظران چنان شاخص و برجسته است که آن را ملاک و معیاری برای تشخیص و تبیین معماری سنتی دانسته‌اند.

بنابراین، سه ویژگی اساسی معماری سنتی عبارت است از:
۱. معماری سنتی محصول روشی سنتی در طراحی و ساخت است.

۲. معماری سنتی دارای الگوهایی است که تبلور فرهنگ جامعه است، در طول زمان استمرار یافته و دست‌به‌دست گشته و منتقل شده است.

۳. معماری سنتی با امر قدسی مرتبط و گونه‌ای معماری بارزش و بامعناست.

کتاب‌نامه

اردلان، «ساختمان، مفاهیم سنتی معماری و شهرسازی ایران»، بررسی امکان پیوند معماری سنتی با شیوه‌های نوین ساختمان، تهران: خانه ترجمه، ۱۳۴۹.

قیومی بیدهندی، مهرداد. «آموزش معماری در دوران پیش از مدرن برمبنای رساله معماریه»، ص ۴۲، ش ۴۲، سال پانزدهم، ۱۳۸۵.

لغتنامه دهخدا. علی‌اکبر دهخدا، لوح فشرده، نسخه ۳.

فرهنگ فارسی. محمد معین. تهران: ساحل، ۱۳۸۴.

نصر، سیدحسین، معرفت و امر قدسی، ترجمه فرزاد حاجی، تهران: فرزاد روز، ۱۳۸۰.

Alexander, Christopher. *Notes on the Synthesis of Form*, USA: Harvard University Press, 1964.

Daffner, J.D. "The Many Faces of Tradition: Naxi courtyard Compounds", *Traditional Dwellings and Settlements Working Paper Series*, Vol. 39, CEDR (Center for Environmental Design Research), Berkeley: University of California, 1992.

Dobrowski, K. "Peasant Traditional Culture" in Shanin, T. (Ed.), *Peasants and Peasant Societies*, Hamondsworth: Penguin Book, 1997.

Hubka, Thomas. "Just Folk Designing: Vernacular Designers and the Generation of Forms", in Upton, Dell and Vlach, John Michael (Eds.), *Common Places: Reading in American Vernacular Architecture*, USA: University of Georgia Press, 1986.

جامعه باشد و آن الگوی شناخته‌شده و فرهنگی، در طول زمان دست‌به‌دست شده و از نسلی به نسلی دیگر رسیده و ادامه یافته باشد. با این تعریف از سنت، معماری سنتی عبارت است از آن‌گونه معماری که در جامعه وجود داشته و در طول زمان استمرار یافته است.

در جست‌وجوی سرچشمه سنت به امری قدسی برخوردیم: تمام سنت‌ها تجلیات زمینی الگوهایی آسمانی هستند که در نهایت به آن الگوی پایدار ازلی متصل‌اند. سنت به معنای حقایق و اصولی است که منشأ الهی دارد و به انسان و در حقیقت به همه قلمروی کیهانی وحی و الهام شده است. به این ترتیب، سرچشمه سنت امری قدسی است و آنچه سنتی است، از امر قدسی جدایی‌ناپذیر است.

پیگیری تاریخچه پیدایش و استفاده از واژه سنت در جامعه، به دوران پس از مدرن می‌رسد. تا پیش از دوران مدرن، انسان‌ها در عوالمی زندگی می‌کردند که اشباع از سنت بود. به این سبب، مفهوم مستقلی به نام سنت، برای آنان معنی نداشت. در یک جامعه سنتی، امر قدسی چون عطری در سراسر جامعه، در همه عرصه‌های آن و از جمله در معماری حضور داشت.

برای پدید آوردن بنایی سنتی، یعنی معماری‌ای که امر قدسی در آن حضور دارد، به معمار سنتی نیاز است؛ کسی که پیشه خود را مقدس می‌داند و جایگاه خویش را در سلسله‌ای قدسی می‌بیند که از طریق آن به «معمار جهان» متصل می‌شود. معمار سنتی از دل یک نظام صنفی معماری، که از دل جامعه جوشیده و به صورتی طبیعی شکل گرفته، برخاسته و روش آموزش او با نحوه آموزش معماران امروزی، که در دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد، کاملاً متفاوت است.

اما نه تنها شیوه آموزش معمار سنتی، بلکه روش طراحی معماری او هم با طراحان امروزی تفاوت دارد. این نکته (تمایز و تفاوت بارز روش آموزش و طراحی سنتی با روش‌های حرفه‌ای و رسمی یا مدرسه‌های آموزش و طراحی معماری

Kroeber, A.L. *Anthropology: Culture Patterns and Processes*, Harcourt Brace and World, 1963.

Oliver, Paul. "Handed Down Architecture: Tradition in Transmission", in Bourdier J.P. and Alsayyad, N., "Dwellings, Settlements and Tradition: Cross-Cultural Perspectives, Lanham: MD: University of America, 1989.

Rapoport, A. On the Attributes of Tradition", in Bourdier, J.P. and Alsayyad, N. (Eds.), *Dwellings, Settlements and Tradition: Cross-Cultural Perspectives*, Lanham: MD; University of America, 1989.

Shils, E. *Tradition*, Faber and Faber, London, 1981.

The Concise Oxford Dictionary. 4th ed., Oxford: Clarendon Press, 1954.

Williams, Raymond. *Keywords: A Vocabulary of Culture and Society*, London: Fontana, 1976.

Tuan, Yi-Fu. "Traditional: What Does it Mean?", in Bourdier, J.P., and Alsayyad, N.(Eds.), *Dwelling, Settlements and Tradition: Cross-Cultural Perspectives*, Lanham, MD: University of America, 1989.

Upton, Dell and Vlach. *Common Places: Reading in American Vernacular Architecture*, USA: University of Georgia Press, 1986.